

➤ به دنبال اثرگذاری

برنامه‌های نمایشی او برای سومین سالگرد سردار سلیمانی در سه عنوان است که شامل روایت و قصه با محوریت قصه گویی، نمایش داستانی برای یک قهرمان و اجرای مجری و عروسک در قالب ارتباط مستقیم و رودررو با بچه‌هاست. خانم رضایی همه نمایش‌ها، طراحی‌ها، متن‌ها و دکورها را از ایده گرفته تا اجرا خودش انجام می‌دهد. این توانایی ذاتی است که از دوران کودکی در او شکل گرفته است. «همه چیز برای من تصویر دارد. خوشبختانه خیلی‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که نمایش زبانی گویا برای گفتن بسیاری از اتفاقات است و تأثیری چندبرابری روی مخاطب دارد. همیشه بچه‌هایی را که پای نمایش منقلب می‌شوند روی صحنه می‌آورم و به صورت شاخص معرفی می‌کنم. خاطرم هست که در اجرای نمایش‌های دهه کرامت خانمی از اول اجرا تا انتهای نمایش سرش را به درختی تکیه داده بود و گریه می‌کرد. اتفاق جالب کارهای من همین تأثیرهاست.»



➤ همه سهیم در نویسندگی

او در انجام کارهای نمایشی یک نکته خیلی مهم را همیشه مدنظر داشته است، اینکه هیچ‌وقت مستقیم صحبت نکند بلکه مفهوم را با استفاده از شخصیت‌ها، عروسک‌ها، متن و اجرا به مخاطب منتقل کند. کارهای مناسبی او همه با این ویژگی بوده است. «یکی از کارهای مناسبی‌ای که انجام دادم نمایش نذری‌پزون بود. برای اجرای این نمایش چهار سالن شهر را درگیر کردیم تا همه بچه‌های شهر در مناطق مختلف آن را ببینند. در نمایش‌ها همیشه سعی کرده‌ام مستقیم صحبت نکنم. این نمایش داستان خانه مادر بزرگی است که فلسفه نذری و مشارکت را برای بچه‌ها می‌گوید. این نمایش در طبقه و رضویه هم اجرا شد و استقبال خوبی داشت. نمایش «بربال فرشته» یک داستان دیگر از زبان آب بود که داستان حضرت ابوالفضل^(ع) را روایت می‌کرد. سفر در زمان، کار مناسبی دیگر من بود که درباره شهید جواد محمدی بود و داستان این شهید را با محرم متصل کرده بود و به شهید کربلا قاسم‌ابن‌الحسن می‌رسیدیم. در این نمایش‌ها سعی کردیم با تکنیک بازیگر و عروسک خروجی جذابی برای بچه‌ها داشته باشیم. سال ۹۲ در دهه ولایت در اتوبوس‌های پیش‌بینی شده از طرف سازمان فرهنگی مشهد نمایش تولد تا ولایت حضرت علی^(ع) را اجرا می‌کردیم که به صورت سایه بود و هم‌زمان، نمایش بهترین همسایه را در کوهسنگی داشتیم. هم‌چنین سال ۹۵ به مناسبت دهه کرامت یک کارناوال شادی طراحی کردم. در سه وانت نمایش‌های مختلف در کوچه پس‌کوچه‌های مناطق مختلف شهر به‌ویژه مناطق محروم که بچه‌ها شرایط دیدن نمایش را نداشتند اجرا می‌کردیم. سه نمایش با سه موضوع مختلف بود. وانت‌ها آذین شده، استیکر خورده و دکور داخل خود را داشت که کار همان‌جا اجرا می‌شد. کوچه به کوچه می‌رفتیم و روزی ۱۰ تا ۱۲ اجرا داشتیم. فقط بچه‌ها هم مخاطب نبودند. همه می‌آمدند و تماشا می‌کردند. خودم هم می‌ایستادم و تماشا می‌کردم. البته به نمایش نه، به مخاطب. تأثیری که از کار می‌گرفتند برایم جالب بود. همیشه برایم مهم است که این تأثیر آموزنده و مثبت باشد. بر اساس دغدغه‌های بچه‌ها کارهایم را می‌نویسم و اجرا می‌کنم. سعی می‌کنم مسائل آن‌ها را بشناسم و به نوعی همه آن‌ها در نوشتن داستان‌های من مشارکت دارند.»

➤ بانوی هنرمند تمام عیار

ساخت بیش از ۱۵۰ عروسک خلاق از مواد بازیافتی برای نمایشنامه‌ها، نوشتن چهارصد نمایشنامه، بازی در بیست تئاتر، نویسندگی و کارگردانی بیش از سیصد مجموعه عروسکی نمایش تئاتر و... بخشی از کارنامه محترم رضایی است. او اولین نمایشگاه سه بعدی در زمینه حرکت آماج رضا^(ع) از مرو تا نیشابور را طراحی و اجرا کرده است. هم‌چنین در سال ۸۹ اولین پینت‌بال برای افراد کوچک‌تر از سیزده سال را طراحی و راه‌اندازی کرده است. کارهای بسیاری از او در گروه کودک شبکه‌های خراسان رضوی، جنوبی، شمالی و کیش پخش شده است.

➤ فعالیت در صداوسیما و سینما

فعالیت‌های این هنرمند در گروه کودک شبکه‌های خراسان رضوی، خراسان جنوبی، خراسان شمالی و کیش شامل سریال تلویزیونی سعید و گلرو، مجموعه تلویزیونی نامی و نازی، مجموعه سریال‌های قندک و مجموعه سه چرخه برای تولید شبکه داستانی خراسان رضوی است که به عنوان عروسک‌گردان، کارگردان، دستیار کارگردان، نویسنده، مدیر عروسک‌گردان‌ها، بازیگر، صدایپیشه و خواننده تیتراژ از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۰ فعال بوده است. هم‌چنین در مجموعه تلویزیونی عزیز جزیره برای مرکز کیش به عنوان عروسک‌گردان و صدایپیشه، مجموعه بچه‌های روستا برای تولید مرکز خراسان جنوبی به عنوان مدیر عروسک‌گردان‌ها و عروسک‌گردان و در مجموعه رسانه خانگی زینل به عنوان صدایپیشه، عروسک‌گردان و خواننده تیتراژ حضور داشته است. او در مستند داستانی زندگی‌نامه دکتر شیخ به عنوان بازیگر، در مستند تاریخی سفیران آب و مستند داستانی زیارت به عنوان صدایپیشه کار کرده است. رضایی هم‌چنین در تله‌تئاتر پشت پرچین ابن‌اماره، تله‌فیلم آخرین خواب بارانی، مجموعه تلویزیونی پنجره‌ای رو به لیخن و فیلم سینمایی مدیترانه در سمت‌های مختلفی فعالیت داشته است.

➤ یک راهنمایی غلط

او برخلاف مسیری که به آن علاقه دارد، با یک راهنمایی غلط در دوران دبیرستان، در رشته‌ای تحصیل می‌کند که هیچ ارتباطی با سینما ندارد. هرچند ارتباطی بین رشته طراحی دوخت و سینما پیدا نمی‌کند، از مسیر اصلی خود هم منحرف نمی‌شود. «زمان انتخاب رشته از مشاور مدرسه خواستم رشته‌ای مرتبط با سینما و تئاتر به من معرفی کند. گفت رشته طراحی دوخت بروم. من هم جذب این رشته شدم اما اصلاً تأثیر برای من نداشت. به عنوان اتفاقی که مسیر خوب من را تغییر داد به آن نگاه می‌کنم. البته بعد از آن، زمانی که احساس نیاز کردم، در دانشگاه کارگردانی سینما خواندم. همان زمان، بعد از اینکه دبیرستان تمام شد، جذب صدا و سیما شدم. نویسندگی، عروسک‌گردانی، دستیاری کارگردان، مدیریت عروسک‌گردان‌ها، صدایپیشگی و کدهای مختلف خوب دیگری به من واگذار می‌شد که از آن‌ها راضی بودم و خروجی آن در مجموعه‌ها، سریال‌ها و فیلم‌های سینمایی نمود داشت. بعد از آن با آموزش و پرورش هم جدی‌تر وارد کار شدم. تدریس فوق‌العاده داشتم و مربی تئاتر بودم. پنج سال در دانشگاه تربیت معلم مربی این هنر بودم. با معلم‌ها جشنواره رفتیم و رتبه اول کشور را هم گرفتیم. البته برای دانشگاه تربیت معلم در کل دو رتبه اول کشوری و دو رتبه دوم کشوری کسب کردیم. در آموزش و پرورش هم با دانش‌آموزان بیش از بیست رتبه اول کشوری در عناوین مختلف کسب کردیم. رتبه‌های استانی و منطقه‌ای هم تا دلتان بخواهد گرفته‌ایم.»

➤ ارادت به سردار

از دیگر نمایش‌های موضوعی و مناسبی او نمایش عروسکی «گوهرشاد» است که در آن عروسکی ماجرای مسجد گوهرشاد را روایت می‌کند. نمایش «تصمیم بزرگ» نیز کاری دیگر از او بود که در مسیر راهپیمایی ۲۲ بهمن پخش شد و مناظره ترامپ و کلینتون را در قالب نمایش اجرا می‌کرد. دکور مفهومی با چترهای سفید و روایت پیامبر^(ص) درباره دختران و نمایش هزارتو با روایت تاریخی مسیر حجاب از دیگر کارهای مناسبی و موضوعی او بوده است. هم‌زمان با سالگرد شهادت سردار سلیمانی عزیز نیز او دست به خلق آثار هنری زده است. نمایش «قهرمان من» اثری است که سال گذشته تولید کرد. می‌گوید: شهادت سردار سلیمانی برایم یک اتفاق عظیم بود. برای معرفی این شخصیت‌ها و در بزرگداشت این گونه اتفاقات دوست دارم که مشارکت داشته باشم و از آنجایی که دستم در نمایش باز است و اعتقاد دارم نمایش زبان گویای بسیاری از اتفاقات است، سال گذشته نمایشی به عنوان «قهرمان من» برای سالگرد شهید سلیمانی آماده کردم که استقبال خوبی از آن شد. ماجرای نمایش از موضوع یک انشا شروع می‌شود پسر بچه‌ای با تحقیق و مطالعه پیدا کردن یک قهرمان را دنبال می‌کند. که به سردار سلیمانی می‌رسد و در نهایت تصمیم می‌گیرد با الگوبرداری از این شهید خودش هم یک قهرمان باشد. از این نمایش استقبال خوبی شد و در ایام شهادت، حدود سی اجرا داشتیم.

➤ یک عروسک‌ساز خلاق

توانایی خانم رضایی فقط در نویسندگی، طراحی صحنه، صدایپیشگی، کارگردانی و بازیگری نیست. او علاوه بر این‌ها یک عروسک‌ساز خلاق است که با مواد بازیافتی دست به خلق عروسک زده و به سفارش نهادهای مختلف عروسک طراحی کرده است. جالب است همه این خلاقیت‌ها برگرفته از استعدادی درونی است و دوره‌ای آموزشی برای آن نگذرانده است. «دو سال عروسک‌ساز خلاق انتخاب شدم. با مواد بازیافتی عروسک درست می‌کردم. یک سال با پوست پفک و چپیس عروسک درست کردم. بافت‌های مختلف به اشیای می‌دادم. بچه‌ها هم با احساس اجرا می‌کردند و به عروسک‌ها جان می‌دادند که باعث جذب مخاطب می‌شد. بارها پیش آمده بود تماشاچی تکراری پای اجرای کاری می‌نشست و از این تکرار لذت می‌برد.»

➤ تشکیل یک تیم خودگردان

این شروع پرهیجان ادامه‌ای جذاب دارد زیرا کم‌کم جرقه راه‌انداختن یک گروه نمایشی را در ذهن خانم رضایی روشن می‌کند، آن هم در دوران دبستان. «روند کار نمایشی در زندگی من ادامه داشت تا اینکه کلاس سوم دبستان جرقه راه‌انداختن یک گروه نمایشی در ذهنم افتاد. ادامه این کار تا دوران راهنمایی راحت بود اما وقتی وارد دبیرستان شدم، به علت مخالفت خانواده‌ها و اهمیت دادن آن‌ها به تحصیل، ادامه کار چندان راحت نبود. ما یک گروه خودگردان شده بودیم که همه کارهای نمایش را خودمان انجام می‌دادیم. گاهی تا ساعت ۸ و ۹ شب طول می‌کشید که برای خانواده‌ها چندان مطلوب نبود. برای اینکه رضایت خانواده‌ها را کسب کنیم، سعی می‌کردیم هم‌زمان هم درس را خوب پیش ببریم عقب نمانیم. نمی‌خواستیم هنر نمایش از زندگی‌ام حذف شود. برای همین، خیلی محتاط کارها را پیش می‌بردم. برایم سال‌های درخشانی بود. همان سال‌ها یعنی حدود سال‌های ۷۳-۷۴ عناوین بازیگر و عروسک‌گردان اول کشور را کسب کردم. بعد از آن بود که این توانایی را در خودم دیدم که کارگردانی کنم و یک گروه حرفه‌ای تشکیل دهم. «وجدان بیدار» عنوان اولین نمایشی بود که در دوم دبیرستان خودم نوشتم و با بچه‌های مقطع راهنمایی آن را کار و اجرا کردم. خیلی از آن بچه‌ها الان تئاتری شده‌اند. بعضی‌ها جذب صدا و سیما شده‌اند. بعضی‌ها هم عضو انجمن نمایش هستند. همین چند روز پیش برای تفاهم یک کار نمایشی به یک مدرسه رفته بودم. زمان قرارداد متوجه شدیم مدیر مدرسه از شاگردان خودم بوده است! آن سال‌ها هم‌زمان با این که در مدرسه نمایش کار می‌کردم، مربی سرود هم بودم. عضو تیم هندبال و بسکتبال مدرسه هم بودم و مقام‌های استانی زیادی کسب کرده بودیم. بیکار نمی‌ماندم. اما در نهایت، چون سینما را بیشتر دوست داشتم، جذب این رشته شدم. ترجیح دادم تئاتر را ادامه دهم. وارد عرصه انجمن نمایش شدم و نمایش‌های مختلفی به سفارش جاهای مختلف اجرا و بازی می‌کردم.»